یادداشت

راه دشوار سلامتی

ادامه از صفحه اول

روندی که از برنامه‌ریزی کلان، بودجه‌بندی و قانون‌گذاری آغاز می‌شود و در مراحل گوناگون اجرا، اعم از آموزش کادر درمان و آماده‌سازی زمینه‌های پیشگیرانه تا تجهیز مراکز درمانی، تأمین دارو و دیگر ملزومات مربوطه را در بر می‌گیرد و به فرض تأمین مالی کافی و تخصیص به‌موقع بودجه، با اندک تفاوتی در رویکردها و سیاست‌گذاری‌ها یا نوع اجرای نامتناسب آنها به خاطر نبود اطلاع یا تعهد ناکافی مدیران، نتیجه ممکن است کاملا با اهداف در نظر گرفته‌شده متفاوت یا حتی معکوس شود. این مهم در هر جای دنیا فارغ از توان مالی کشورها جاری و ساری است و چگونگی مدیریت بودجه و نحوه هزینه آن باعث ایجاد تفاوت محسوس در ثمربخشی یا خنثی‌بودن مبالغ بودجه خواهد شد. چنان‌که در کمپین انتخاباتی سیاست‌مداران یا احزاب گوناگون همواره اعلام برنامه‌های سلامت‌محور و شرح آنها از اهم شعارهای مطرح‌شده و تأثیرگذار در نتیجه انتخابات بوده است.

با ذکر این مقدمه کوتاه و مرور مفاهیم ساده و بنیادی مندرج در آن می‌توان به مهم‌ترین دلیل ایجاد وضع کنونی حاکم بر بخش بهداشت و درمان کشور پی برد. مسئله روز کشور، اقتصاد بیمار آن است که بخش عمده آن ناشی از سوءمدیریت است، بنابراین بحث سلامت هم متأثر از همین قضیه خود دچار بیماری است. موضوعی که باعث نارضایتی همه‌جانبه‌ای در تمام آحاد جامعه شده است. چه بیمارانی که به‌عنوان خدمت‌گیرنده شناخته می‌شوند و چه در بخش خدمت‌دهندگان عرصه بهداشت و درمان یعنی کادر پزشکی و درمانی و نیز صنایع متنوع تولید و عرضه تجهیزات، دارو و دیگر ملزومات مربوطه که محصولات‌شان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در این زمینه استفاده می‌شوند. هیچ‌یک از وضع موجود راضی نیستند و کار به جایی رسیده که با توجه به شرایط اقتصادی و نبود امنیت شغلی در سال‌های اخیر موارد اولویت قراردادن منافع مادی بر رسالت درمان روزبه‌روز افزایش یافته و افراد در برابر دوراهی خطرناک وظیفه و منفعت یا اخلاق و پول مجبور به انتخاب راه دوم هستند. تعدد شاخه‌های مرتبط با نظام سلامت هم باعث شده بودجه محدود این بخش جواب‌گوی متولیان و مدعیان متعدد نباشد و تصمیم‌های بی‌برنامه برای نحوه تخصیص بودجه یا یارانه‌های مربوطه بر این امر بیشتر از گذشته دامن زده است. مدیری اعتقاد دارد که یارانه‌ها باید به مصرف‌کننده و از طریق بیمه‌ها پرداخت شود. مدیر دیگر معتقد به پرداخت یارانه در مبدأ و به تولیدکننده است. مسئله‌ای حیاتی که در آخرین فرایند غلط آزمون و خطا گریبان صنعت دارو را تحت عنوان «طرح دارویار» گرفت و صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکر نیمه‌جان آن وارد کرد. متأسفانه نتیجه قهری سال‌ها بی‌برنامگی، کمبود بودجه، تورم افسارگسیخته، تحریم‌های بین‌المللی، استفاده از روش آزمون و خطا به‌جای پیروی از راه‌های شناخته‌شده، قیمت‌گذاری نابهنگام و نامناسب، به‌کارگیری مدیران اجرائی کوتاه‌مدت و نامرتبط، نبود هماهنگی بین سازمانی، ناهمخوانی زیرساخت‌ها با برنامه‌ها و ناتوانی کمیسیون‌های موجود در رفع موانع مشهود، چیزی جز شرایط نامطلوب کنونی نیست. مثلا در عرصه تولید و تحویل دارو که یکی از مهم‌ترین ارکان نظام سلامت است، تمام موارد یادشده قابل مشاهده است! کافی است صحبت تک‌تک صاحبان صنعت داروسازی را بشنویم که بدون استثنا با تمام مشکلات ریز و درشت موجود در حال دست‌وپنجه نرم‌کردن هستند تا بتوانند تولید دارو را ادامه دهند. انگار یادمان می‌رود که تولید به‌موقع، باکیفیت و به اندازه مورد نیاز محصولات سلامت‌محور ازجمله دارو در وهله اول نیازمند وجود تولیدکنندگان قوی و قابل اتکا است. اجازه دهید در پایان مطلب همچنان امیدوار باشیم که شرایط به گونه‌ای معجزه‌وار به سمت بهبود عملکرد نظام سلامت و اوضاع اقتصادی جامعه برود که کمتر شاهد مصائبی مانند ۱۴ برابر شدن آمار مبتلایان به دیابت در عرض سه دهه، تشدید آلودگی هوا و ریزگردها، آمار نگران‌کننده افزایش تعداد مبتلایان به بیماری‌های غیرواگیر مانند سرطان و بیماری‌های قلب و عروق، سوءتغذیه آشکار دهک‌های محروم، سوءاستفاده رانتی برخی شرکت‌های منفعت‌طلب و تاخت‌وتاز مدیران بی‌وجدان آنها باشیم.

چرخش ایدئولوژیک حزب دموکرات کردستان ایران؟

ادامه از صفحه اول

این موضع در برنامه حزب دموکرات کردستان نیز چنین مورد تأکید قرار گرفته بود: «آرمان نهایی حزب دموکرات کردستان ایران ایجاد یک جامعه دموکراتیک سوسیالیستی است». افزون بر مواضع علنی و مطالبی که در نشریات حزبی منتشر شده، دبیر کل حزب، عبدالرحمن قاسملو، بعدها در نوشته‌ای که تحت عنوان «درباره سوسیالیسم» در دهه ۶۰ خورشیدی منتشر شد، با اشاره به اینکه سوسیالیسم آرمان نهایی حزب ماست، به تشریح ضرورت گنجاندن سوسیالیسم در برنامه حزب و نوع رابطه این حزب با کشورهای سوسیالیستی و اتحاد جماهیر شوروی پرداخته است. در این نوشته قاسملو اشاره کرده که شعار روز تاکتیکی است، اما استقرار سوسیالیسم راه‌حل اساسی مسائل اجتماعی است و این مسئله آرمان نهایی است. در این جزوه اشاره می‌شود که ما وقتی اعلام می‌کنیم خواهان سوسیالیسم هستیم، منظورمان این است که سرمایه‌داری را نفی می‌کنیم و بر این اعتقادیم که سرمایه‌داری به عنوان یک نظام اجتماعی از نظر تاریخی محکوم به نابودی است! در همین جزوه نوشته شده که پیداست هنگامی که می‌گوییم مرگ بر امپریالیسم در واقع علیه سرمایه‌داری شعار داده‌ایم چراکه امپریالیسم سیستم جهانی مرحله کنونی سرمایه‌داری است. در همین نوشته اشاره شد ما بدان جهت سوسیالیسم را انتخاب کرده‌ایم که بهره‌کشی و استثمار را از بین ببریم. در بخش پایانی این جزوه هم تأکید شده که این حزب در مبارزاتش اتحاد جماهیر شوروی را دوست و هم‌پیمان استراتژیک خود به حساب می‌آورد و همواره بر این اعتقاد باقی خواهد ماند. تأکید بر سوسیالیسم نه یک اشاره گذار بلکه یک استراتژی و آرمان بلندمدت برای حزب دموکرات بوده و همچنان تا سال‌های اخیر حزب دموکرات در کنگره انترناسیونال سوسیالیست‌های جهان نیز مشارکت داشته است. پس این ادعای آقای عزیزی که حزب او برکنار از این دست ایدئولوژی‌هایی است که در مقابل با دموکراسی است، ادعای دقیقی نیست و بیشتر یک فرار به جلو است تا حزب خود را از ترکش پیامدهای موضع اخیر خود مبرا کند. همچنین این نکته مهم است که با وجود ادعای خالد عزیزی حزب دموکرات کردستان ایران و دیگر سازمان‌های مسلح کردی چنان تحت تأثیر مارکسیسم هستند که بنیان‌های نظری احزاب مذکور بر مارکسیسم -لنینیسم استوار است و به صورت عمومی استفاده از نظام واژگان مارکسیستی و حتی استالینیستی را همچنان مناسب‌ترین روش برای بیان چارچوب‌های مد نظر سازمانی می‌دانند. اساس این نظام واژگان «نظریه استالینی -لنینیستی مسئله ملی» است که همچنان دال مرکزی گفتار حزب دموکرات و احزاب مشابه است. آیا می‌توان در چنبره نظام واژگان و مفاهیم کمونیستی نفس کشید و براساس آن اهداف سازمانی تعریف کرد و هم‌زمان در تقابل و مخالفت با همان ایدئولوژی مارکسیستی سخن گفت؟ اگر واژگان مارکسیستی را از دایره مباحث حزبی خارج کرد، چیز دیگری برای حزب مذکور باقی خواهد ماند؟

۲- سخنان آقای خالد عزیزی از زاویه دیگری هم باید مورد توجه قرار گیرد. به دلیل ساخت‌یابی سازمان‌های سیاسی و مسلحانه کرد بر مبنای ایدئولوژی سوسیالیستی و کمونیستی افراد بی‌شماری از طرف‌های دخیل در منازعات نظامی یا دیگران قربانی و کشته و از هستی ساقط شدند. حزب دموکرات کردستان ایران در این باره چگونه کارنامه خود را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آیا سخنگوی حزب دموکرات به لوازم و پیامدهای موضع اخیر خود اندیشیده و پایبند است؟ همچنین با توجه به تأکید آقای عزیزی بر دوری احزاب چپ از دنیای دموکراسی، آیا این سازمان و سخنگوی حزب به پذیرش مسئولیت‌های این چرخش ایدئولوژیک ملزم هستند؟ یا اینکه مواضع سخنگوی حزب تنها نظرات شخصی است و در بر همان پاشنه سابق می‌چرخد؟

جنگ سرد آموزشی؛ آمریکا دروازه‌های دانشگاه را به روی دانشجویان مرتبط با حزب کمونیست پکن می‌بندد

هاروارد، «دانشکده حزبی» چین در تیررس کاخ سفید

شرق: دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی ایالات متحده -و به طور خاص یک نهاد بسیار معتبر در میان آنها- از دیرباز به مقامات نوظهور و آینده‌دار چینی فرصتی برای فراگیری اصول حکمرانی ارائه داده‌اند، اما به نظر می‌رسد دولت ترامپ با تلاش جدید خود برای ممانعت از ورود دانشجویانی که به گفته این دولت، با حزب کمونیست چین مرتبط هستند، قصد دارد به این رویه پایان دهد. برای چندین دهه، حزب کمونیست چین هزاران نفر از بوروکرات‌های میان‌رده و ارشد خود را برای گذراندن دوره‌های آموزش مدیریت اجرائی و تحصیلات تکمیلی به دانشگاه‌های آمریکا اعزام کرده است. دراین‌میان دانشگاه هاروارد همواره مقصدی بسیار جذاب و پرطرفدار بوده، تا جایی که برخی در چین از آن به‌عنوان برترین «دانشکده حزبی» خارج از کشور یاد می‌کنند. ازجمله فارغ‌التحصیلان سرشناس این برنامه‌ها می‌توان به یک معاون رئیس‌جمهور سابق چین و همچنین مذاکره‌کننده ارشد شی جین‌پینگ، رهبر فعلی چین، در گفت‌وگوهای تجاری با دولت اول ترامپ اشاره کرد.

تشدید سخت‌گیری‌ها

در اقدامی که روز چهارشنبه از سوی مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، اعلام شد، مقامات ایالات متحده قصد دارند معیارهای مربوط به درخواست ویزا از چین را سخت‌گیرانه‌تر کنند و «قاطعانه ویزای دانشجویان چینی، ازجمله افرادی را که با حزب کمونیست چین ارتباط دارند یا در رشته‌های کلیدی و حساس تحصیل می‌کنند، لغو کنند». در بیانیه منتشرشده هیچ اشاره‌ای به چگونگی ارزیابی این ارتباطات با حزب کمونیست حاکم بر چین، از طرف دولت ترامپ یا اینکه چه سطحی از ارتباط منجر به لغو ویزا خواهد شد، نشده است. در چین، عضویت در حزب کمونیست به طور گسترده‌ای عاملی مؤثر در پیشرفت شغلی -چه در بدنه دولت و چه در بخش خصوصی- تلقی می‌شود و معمولا یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای مقاماتی است که در پی کسب مناصب عالی‌رتبه هستند.

مائو نینگ، سخنگوی وزارت امور خارجه چین، در واکنش به این اقدام دولت ترامپ اظهار کرد که این حرکت ایالات متحده «به طور جدی حقوق و منافع مشروع دانشجویان چینی را تضییع کرده است».

اتهام همکاری هاروارد با حزب کمونیست

به نظر می‌رسد طرح اتهام ارتباط با حزب کمونیست، به یکی از محورهای اصلی کارزار فشار دولت ترامپ علیه دانشگاه هاروارد تبدیل شده است. دولت ترامپ در تاریخ ۲۲ می اعلام کرد که مجوز دانشگاه هاروارد برای پذیرش و ثبت‌نام دانشجویان خارجی را لغو می‌کند و این دانشگاه را به همکاری با حزب کمونیست چین متهم کرد؛ هرچند متعاقبا ۳۰ روز به هاروارد مهلت داده شد تا درباره این تصمیم اعتراض کند. دانشگاه هاروارد نیز برای حفظ امکان پذیرش دانشجویان خارجی خود، اقامه دعوی کرده است. دانشگاه هاروارد به پرسش‌های مطرح‌شده درباره ارتباط با حزب کمونیست چین پاسخی نداد.

برخی از سیاست‌مداران آمریکایی پیش‌ازاین مدعی شده بودند که حزب کمونیست چین در حال بهره‌برداری از تخصص و دانش موجود در فضای آکادمیک آمریکا برای آسیب‌رساندن به منافع ایالات متحده است. دولت ترامپ نیز با استناد به این انتقادات و موارد دیگر، تلاش‌های خود را برای ایجاد یک تغییر فرهنگی عمده در کالج‌ها و دانشگاه‌های ایالات متحده توجیه کرده است؛ مراکزی که بسیاری از محافظه‌کاران آنها را سنگرهای ایدئولوژی لیبرال و چپ‌گرا می‌دانند.

دانشگاه‌های آمریکایی نقش مهمی در شکل‌دهی به برنامه‌های آموزشی برون‌مرزی چین برای مقامات میان‌رده این کشور داشته‌اند. پکن این برنامه‌ها را در دهه ۱۹۹۰ میلادی به طور گسترده سازمان‌دهی کرد تا از طریق آشنا ساختن بوروکرات‌های خود با ایده‌ها و رویه‌های سیاست‌گذاری عمومی غربی، سطح حکمرانی را بهبود ببخشد. علاوه بر هاروارد، کالج‌های دیگری نظیر سیراکیوز، استنفورد، دانشگاه مریلند و راتگرز نیز طبق اسناد تبلیغاتی و دیگر اطلاعات منتشرشده، دوره‌های آموزش اجرائی برای مقامات چینی ارائه داده‌اند. به‌عنوان مثال، دانشکده امور شهروندی و عمومی مکسول در دانشگاه سیراکیوز، در اوایل دهه ۲۰۰۰ به راه‌اندازی برنامه‌های تحصیلات تکمیلی در رشته مدیریت دولتی در دانشگاه‌های چین کمک کرد.

«دانشکده حزبی» در خارج از مرزها

مقامات چینی علاوه بر ایالات متحده، به دانشگاه‌های پیشرو در کشورهایی مانند سنگاپور، ژاپن و بریتانیا نیز اقبال نشان داده‌اند. دانشگاه صنعتی نانیانگ سنگاپور یکی از محبوب‌ترین گزینه‌ها در این میان است که از اوایل دهه ۱۹۹۰ تاکنون هزاران مقام چینی را، عمدتا از طریق برنامه‌های تحصیلات تکمیلی موسوم به «کلاس شهردارها»، آموزش داده است.

دانشگاه هاروارد به لطف سابقه درخشان خود در آموزش بوروکرات‌های برجسته‌ای که پس از تحصیل به مناصب ارشد دولتی دست یافته و در برخی موارد به عضویت دفتر سیاسی حزب کمونیست (پولیت‌بورو) درآمده‌اند، از شهرت فوق‌العاده‌ای در میان مقامات چینی برخوردار است. برخی ناظران حتی از هاروارد به‌عنوان یک «دانشکده حزبی» تمام‌عیار یاد کرده‌اند؛ اصطلاحی که برای آکادمی‌های آموزشی خود حزب برای تربیت بوروکرات‌های آینده‌دار به کار می‌رود.

در تفسیری که سال ۲۰۱۴ از طرف «شانگهای آبزرور»، یک پلتفرم آنلاین وابسته به روزنامه اصلی حزب کمونیست در شانگهای، منتشر شد، آمده است: «اگر بخواهیم دانشکده‌های حزبی برون‌مرزی حزب کمونیست چین را رتبه‌بندی کنیم، جایگاه نخست بدون‌شک به دانشکده حکومت‌داری کندی دانشگاه هاروارد در ایالات متحده تعلق دارد».

به نوشته وال استریت‌ژورنال، لی یوآن‌چائو، عضو سابق پولیت‌بورو و معاون رئیس‌جمهور چین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸، در سال ۲۰۰۲ در یک برنامه آموزشی میان‌دوره در دانشکده کندی هاروارد شرکت کرد. او که در آن زمان دبیر حزب در شهر مرکزی نانجینگ بود، در یک سخنرانی هنگام بازدید از هاروارد در سال ۲۰۰۹ به یاد آورد که اولین کلاسش در این دانشکده بر مدیریت بحران متمرکز بوده است. این آموزش زمانی که لی پس از بازگشت به نانجینگ مجبور به رسیدگی به یک مورد مسمومیت گسترده در شهر شد که ده‌ها کشته بر جای گذاشت، بسیار ارزشمند از آب درآمد. لی در سخنرانی سال ۲۰۰۹ خود گفت: «بیش از ۲۰۰ نفر به موقع نجات یافتند و مظنون در مدت ۳۶ ساعت دستگیر شد. ما به خاطر این اقدام مورد تحسین مردم محلی و دولت مرکزی قرار گرفتیم». او افزود: «بنابراین امروز که دوباره به اینجا آمده‌ام، می‌خواهم بگویم: متشکرم هاروارد!».

لیو هه، معاون سابق نخست‌وزیر که مذاکره‌کننده ارشد شی جین‌پینگ در گفت‌وگوهای تجاری با اولین دولت ترامپ بود، در سال ۱۹۹۵ مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت دولتی از دانشکده کندی هاروارد دریافت کرد. لی هونگ‌ژونگ، عضو فعلی پولیت‌بورو و قانون‌گذار ارشد نیز در سال ۱۹۹۹ در یک برنامه کوتاه‌مدت در هاروارد شرکت کرد.

اگرچه دانشکده کندی هاروارد از دهه ۱۹۸۰ میزبان دانشجویان چینی بود، اما طبق گزارش رسانه‌های چینی، پکن از دهه بعد اعزام مقامات برای آموزش‌های میان‌دوره به این دانشکده را به شکلی سازمان‌یافته‌تر آغاز کرد.

برنامه‌های ویژه برای چینی‌ها

یکی از این برنامه‌ها که در سال ۱۹۹۸ راه‌اندازی شد، سالانه به حدود ۲۰ مقام ارشد، بورسیه و دوره‌های آموزش اجرائی ارائه می‌کرد. در اوایل دهه ۲۰۰۰، هاروارد برنامه دیگری تحت عنوان «رهبران چین در توسعه» راه‌اندازی کرد که طی آن مقامات چینی یک دوره آموزشی چندهفته‌ای را به طور مشترک در هاروارد و دانشگاه شینهوا در پکن می‌گذراندند. به گفته هاروارد، این برنامه با هدف «کمک به آماده‌سازی مقامات ارشد محلی و مرکزی دولت چین برای مواجهه مؤثرتر با چالش‌های جاری اصلاحات ملی چین» طراحی شده بود. طبق خبرنامه‌های منتشرشده از سوی مرکز اَش برای حکومت‌داری دموکراتیک و نوآوری در دانشکده کندی، بخش مربوط به هاروارد در این برنامه شامل کلاس‌هایی در موضوعاتی نظیر مدیریت دولتی، توسعه اقتصادی و سیاست اجتماعی و همچنین بازدید از سازمان‌های دولتی ایالات متحده بوده است.

علاوه بر این برخی از فرزندان مقامات ارشد حزب کمونیست نیز برای تحصیل در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به هاروارد رفته‌اند. مینگ زه، دختر شی جین‌پینگ، در اوایل دهه ۲۰۱۰ با نام مستعار در مقطع کارشناسی در هاروارد تحصیل می‌کرد، هرچند مدیران هاروارد و برخی از اعضای هیئت علمی از هویت واقعی او آگاه بودند. او زمانی که پدرش معاون رئیس‌جمهور چین و رهبر آینده این کشور بود، در هاروارد ثبت‌نام کرد و پس از به قدرت رسیدن پدرش فارغ‌التحصیل شد.

از دیگر فارغ‌التحصیلان هاروارد می‌توان به آلوین جیانگ، نوه جیانگ زمین، رهبر سابق چین، و همچنین بو گواگوا، پسر بو شیلای، عضو سابق پولیت‌بورو، اشاره کرد. بو گواگوا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ در دانشکده کندی هاروارد تحصیل کرد و مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته سیاست‌گذاری عمومی دریافت کرد. پدر او در سال ۲۰۱۲ از مناصب خود پاک‌سازی و سال بعد به اتهام رشوه‌خواری، اختلاس و سوءاستفاده از قدرت به حبس ابد محکوم شد.

ارتباطات هاروارد با چین همچنین به برخی از پژوهشگران برجسته این دانشگاه کمک کرده است تا به مقامات در پکن دسترسی پیدا کنند. گراهام آلیسون، رئیس سابق دانشکده کندی هاروارد، در سال گذشته موفق به دیدار با شی جین‌پینگ و وانگ یی، وزیر امور خارجه چین، شده و در این دیدارها دیدگاه‌های خود را درباره روابط ایالات متحده و چین مطرح کرده است.

یادداشت

از فشار حداکثری تا توافق مطلوب

ادامه از صفحه ۳

۴. انجام بررسی‌های فنی و حقوقی درخصوص مکانیسم‌های احتمالی همکاری با شرکت‌های بزرگ انرژی ایالات متحده نظیر (Chevron و ExxonMobil) در قالب‌هایی همچون کنسرسیوم‌های بین‌المللی، پروژه‌های فناوری‌محور در مناطق آزاد یا همکاری از طریق شرکت‌های تابعه ثبت‌شده در کشورهای ثالث. افزون بر مزایای اقتصادی و فناورانه این مشارکت‌ها، درگیرساختن شرکت‌های دارای نفوذ در سیاست‌گذاری انرژی آمریکا می‌تواند به عنوان یک عنصر تثبیت‌کننده در ساختار توافق عمل کند. به عبارتی دیگر، هر اندازه منافع راهبردی شرکت‌های بزرگ آمریکایی با تداوم تعامل اقتصادی با ایران پیوند بخورد، حفظ توافق برای ساختار سیاسی ایالات متحده به گزینه‌ای منطقی‌تر، پایدارتر و از منظر داخلی قابل توجیه‌تر تبدیل خواهد شد. در نتیجه، استفاده هوشمندانه از فرصت‌های ناشی از فضای دیپلماتیک جدید، همراه با طراحی فنی-حقوقی پروژه‌های قابل اجرا، می‌تواند به وزارت نفت کمک کند تا نه تنها در مسیر بازگشت ایران به بازار جهانی انرژی نقش‌آفرینی کند، بلکه با مهندسی منافع متقابل، از ثبات در اجرای توافق نیز صیانت کند. مقاله ریچارد نفیو با بهره‌گیری از تجربه مستقیم وی در طراحی سیاست‌های تحریمی و مذاکرات هسته‌ای، تحلیلی جامع از مسیرهای ممکن برای دستیابی به توافقی جدید میان ایران و آمریکا ارائه می‌دهد. تمرکز اصلی تحلیل، بر ضرورت طراحی چارچوبی قوی‌تر و متوازن‌تر نسبت به برجام است؛ چارچوبی که بتواند در عین تأمین دغدغه‌های امنیتی آمریکا، به رفع تحریم‌های مؤثر و پایدار علیه جمهوری اسلامی ایران بینجامد. از منظر نویسنده، تحقق چنین توافقی مستلزم چهار مؤلفه کلیدی است: تقویت سازوکارهای نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اعمال محدودیت‌های دقیق اما واقع‌گرایانه بر برنامه غنی‌سازی ایران، طراحی روند تدریجی و قابل اعتماد در رفع تحریم‌ها و توجه به پویایی‌های منطقه‌ای و نقش‌آفرینی ایران در معادلات ژئوپلیتیکی. نفیو اذعان دارد که دستیابی به این چارچوب نیازمند اعطای امتیازهای متقابل از سوی طرفین است، اما در عین حال تأکید می‌کند که پیوند دادن منافع اقتصادی نهادهای تأثیرگذار آمریکایی به مفاد توافق می‌تواند زمینه‌ساز پایداری و اجرائی‌شدن آن در بلندمدت شود. این موضوع، به‌ویژه برای ایران، از اهمیت راهبردی برخوردار است و تجربه‌های گذشته نیز بر لزوم طراحی تدابیر جبرانی برای مقابله با تغییرات سیاسی در آمریکا صحه می‌گذارد.

در نهایت، مقاله با تأکید بر فوریت دیپلماسی و فرصت محدود برای مهار بحران‌های آینده، نتیجه می‌گیرد که مسیر توافق، هرچند دشوار و پرمخاطره، همچنان امکان‌پذیر است؛ به شرط آنکه طرفین با درک متقابل از منافع و خطوط قرمز یکدیگر، به‌دنبال مصالحه‌ای پایدار و واقع‌بینانه باشند.

چرا مسکو مایل نیست درباره کشته‌شدگان روس در جنگ اوکراین حرف بزند؟

راز مگوی کرملین

مهسا مژدهی: آمار کشته‌شدگان روسیه در جنگ اوکراین، برای مسکو یک راز مگو محسوب می‌شود. روس‌ها کمترین علاقه‌ای به اینکه تعداد کشته‌های خود را در جنگ مشخص کنند ندارند و در عوض اوکراینی‌ها مایلند با بالا اعلام‌کردن تعداد کشته‌شدگان روس، جنگ روایت‌ها را به دست بگیرند. تنها نقطه اتکا برای اینکه جهان بداند روس‌ها در جنگ با اوکراین، رویین‌تن نمانده و تلفات نسبتا زیادی داده‌اند و سربازان در شرایط دشواری به سر می‌برند، معدود تصاویری است که برخی از سربازان از شرایط بسیار سخت خود به نمایش گذاشته‌اند و داستان‌هایی که می‌گویند پیاده‌نظام‌های روس در سرما و با امکانات محدود به مسلخ می‌روند. در آخرین روزهای ماه فوریه امسال، بی‌بی‌سی روسی به همراه میدیازونا، رسانه مستقل روس که جنگ اوکراین را رصد می‌کند، تعداد کشته‌شدگان رسمی این جنگ را بدون در نظر گرفتن آن گروهی که در دونباس جان باخته‌اند، ۹۵ هزار نفر اعلام کردند. در سکوت مطلق مسکو در مورد تعداد جان‌باختگان، اوکراین می‌گوید تعداد زخمی‌ها و کشته‌شدگان و ناپدیدشدگان روس در این جنگ، تا اواسط ماه مارس ۲۰۲۵، ۷۵۰ هزار نفر تخمین زده است. معاون وزیر دفاع روسیه در ماه نوامبر سال ۲۰۲۴ گفت ۴۸ هزار خانواده خواهان انجام آزمایش دی‌ان‌ای برای پیداکردن سربازانی شده‌اند که از آنها خبری ندارند. این عدد از معدود ارقامی است که دولت روسیه حاضر به اعلام آن شده است.

هدف وسیله را توجیه می‌کند

سربازانی که روسیه آنها را به نبرد با اوکراین فرستاده، شامل بسیج‌شدگان، داوطلبان، زندانیان، سربازانی که به استخدام شرکت‌های خصوصی در می‌آیند و سربازان قراردادی می‌شوند. نگاهی به ترکیب آسیب‌دیدگان می‌گوید اغلب آنها جوان و از طبقه فقیر و ساکن مناطق حاشیه‌ای به حساب می‌آیند. خبرگزاری فرانسه در همان سال نخست جنگ به این موضوع پرداخت و کشته‌شدگان را از میان جوانان، فقرا و اقلیت‌ها دانست. در همین گزارش آمده بود که سربازان آموزش‌دیده به نیروی هوایی و دریایی یا مراکز استراتژیک می‌روند و نیروی زمینی را جوانانی تشکیل می‌دهد که آموزش چندانی ندیده‌اند و ساکن شهرها و روستاهای کوچک هستند. با این حال گزارش‌هایی از فرستادن افراد مسن و حاشیه‌نشین به خط مقدم جنگ هم وجود دارد. یکی از دلایلی که مسکو مایل نیست اعداد و ارقام واضحی را در مورد تعداد کشته‌شدگان و آسیب‌دیدگان اعلام کند، نیاز دولت پوتین به حفظ مشروعیت خود است. او نیاز به آن دارد تا جنگ با اوکراین را هدفی مشروع و نزاعی حیاتی برای روسیه جلوه دهد و در این مسیر، نیازمند آن است تا افکار عمومی با قرائت‌های دولت پوتین از جنگ همخوانی داشته باشند.

تصویری که مسکو می‌سازد

برای روسیه ساخت تصویری از یک ارتش قوی و آهنین اهمیت زیادی دارد. روس‌ها در نمایش سرسختی خود به‌شدت حرفه‌ای عمل می‌کنند و در عین حال از اینکه نشان دهند در جنگ آسیب‌پذیرند، به‌شدت وحشت دارند. گزارش‌هایی وجود دارد که تعدادی از کشته‌شده‌ها، ناپدیدشدگان و زخمی‌ها از افراد مسن، زندانیان و طردشدگانی هستند که با استفاده از مشوق‌های مالی راهی جبهه جنگ می‌شوند. این گروه از افراد که به صورت داوطلب به نظامیان می‌پیوندند، از آنجایی که اطلاع دقیقی از آنچه واقعا می‌گذرد ندارند، در ازای دریافت مبالغی قابل توجه، به خیل سربازان می‌پیوندند. رویترز در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ در گزارشی مدعی شده بود روسیه هر ماه ۳۰ هزار سرباز جدید را با همین شیوه جذب می‌کند و به میدان جنگ می‌فرستد. طبق روایتی که مسکو ارائه می‌کند، ارتش این کشور با عزمی آهنین برای بازپس‌گیری اوکراین تلاش می‌کند و در این روایت نمایش هرگونه ضعف جایی ندارد.

روس‌ها به مرگ خو کرده‌اند؟

برخی از ناظران معتقدند جان انسان در فرهنگ روسی ارزش چندانی ندارد. جنگ اوکراین نخستین نمونه از پنهان‌کاری درمورد آمار و ارقام کشته‌شده‌ها نیست. از زمانی که استالین به صورت گسترده دست به حذف مخالفان، دگراندیشان و حتی افراد عادی در دوران وحشت بزرگ زد، پنهان‌کردن آمار تبدیل به روشی روسی برای مقابله با فشار افکار عمومی و بی‌ارزش شمردن جان انسان‌ها شد. روس‌ها همین روند را در دوران جنگ جهانی دوم، اشغال افغانستان و حتی زمانی که کووید ۱۹ تبدیل به قاتلی زنجیره‌ای شده بود، ادامه دادند. در شوروی تا سال‌ها تعداد کشته‌شدگان در جنگ جهانی دوم هفت میلیون نفر اعلام می‌شد. این در حالی است که بعدها مشخص شد ارقام بسیار بالاتر و ابعاد فاجعه بسیار گسترده‌تر از آن بود که دولت شوروی مدعی آن می‌شد. در جنگ شوروی در افغانستان هم اوضاع تقریبا مشابه بود. تعداد کشته‌شدگان به‌شدت سانسور شد و دلیل مرگ اغلب سربازان مواردی چون بیماری یا حوادث غیرمترقبه دانسته شد. تهی‌کردن رسانه‌ها از نام و چهره قربانیان جنگ و نزاع و بیماری، باعث شده واکنش افکار عمومی به تعداد کشته‌ها چندان شدید نباشد. به نظر می‌رسد حساسیت عمومی نسبت به اینکه دقیقا چند هزار نفر شهروند روسیه در جنگ با اوکراین کشته شده‌اند، چندان بالا نیست.

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده
شرکت ثمرچین (مسئولیت محدود)
ثبت شده بشماره ۱۴۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۴۷۳۶۶
بدینوسیله از کلیه شرکاء و وکلا و نمایندگان قانونی آنان دعوت بعمل می آید که جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده در ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ در آدرس استان البرز، شهرستان فردیس، بخش مرکزی، شهر فردیس، دهکده، خیابان (اصلی دهکده)، خیابان هفدهم گلایل غربی ، پلاک ۳۹، طبقه همکف تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.
دستور جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده : انتخاب اعضا وسمت هیئت مدیره و تعیین وضعیت حق امضا.
هیات مدیره

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب رضا واعظ زاده اسدی** فرزند عبدالعلی به شماره شناسنامه ۸۵۴ صادره از آبادان در مقطع دکترای عمومی رشته داروسازی صادره از واحد دانشگاهی علوم پزشکی ازاد اسلامی تهران با شماره ۱۵۸۰۲۲۵۰۰۰۲۵ مفقود گردیده است وفاقد اعتبار میباشد از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه ازاد اسلامی واحد علوم پزشکی دانشکده داروسازی به نشانی خیابان شریعتی بالاتر از دوراهی قلهک ابتدای خیابان یخچال ارسال نماید.

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
شماره : ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۳۲۴۳
تاریخ : ۱۴۰۴/۰۲/۲۴
اگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی ۱ برابر رای شماره ۱۳۹۶۰۳۰۲۰۲۶۰۱۶۵۱۰ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۷ و رای اصلاحی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۳۲۳۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ هیات سوم متقاضی آقای محمد شاه میرزایی به شناسنامه شماره ۳۹ کدملی ۵۵۵۹۹۱۷۷۰۴ صادره کوهپایه فرزند مرتضی نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۰ متر مربع پلاک شماره ۲۴۵ فرعی از ۱۴۹۱۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان از سند ۹۳/۵/۲۶-۳۴۳۲۵ دفترخانه ۱۸۶ اصفهان
۲ برابر رای شماره ۱۳۹۹۸۶۰۳۰۲۰۲۶۰۱۲۵۱۲ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۷ ورای اصلاحی شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۲۰۲۶۰۰۳۲۳۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۴ هیات سوم متقاضی آقای حسن رضا علی پور به شناسنامه شماره ۴۰۳۵ کدملی ۱۲۸۷۲۶۶۹۶۷ صادره اصفهان فرزند حسین نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۷۰ متر مربع پلاک شماره ۲۴۵ فرعی از ۱۴۹۱۶ اصلی واقع در اصفهان بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال اصفهان از سند ۹۳/۵/۲۶-۳۴۳۲۵ دفترخانه ۱۸۶